

زندگی نامه استاد عبدالرحمان پژواک

قاضی عبدالله خان که عالم جید و فقیه معروف بود، به سلسله انجام وظایف حکومتی بحیث قاضی محکمه غزنی مقرر گردیده و با فامیل خود جهت اشغال وظیفه به آن ولایت سفر کرد. در هنگام اقامت در همین شهر تاریخی و پر افتخار غزنه بود که خداوند (ج) به او پسری اعطا فرمود (۱۲۹۸ هجری شمسی) که اسم او را عبدالرحمان گذاشتند. (مرحوم استاد پژواک از لحاظ قومی پشتون بوده و از طرف پدر به عشیره معروف خیل و از طرف مادر به قبیله بارکزیی مسکونه دامنه کوه سپین غر خوگیان بستگی دارد).

آثار نکاوت و نبوغ از همان دوران کودکی در سیمای عبدالرحمان نمایان بود. دوره ماموریت قاضی عبدالله بعد از سپری شدن مدتی در غزنه بسر رسید و او با فامیل خود به دهکده آبایی و زیبای باغبانی، ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار رحل اقامت گزید و در پی تعلیم و تربیه اولاد خود و سایر طالب العلمان دور و نزدیک گردید. بناً عبدالرحمان، از محضر حلقه تدریس پدر و برادر بزرگتر خود قاضی حفیظ الله استفاده ها می کرد و قبل از آن که پای به مکتب ابتداییه "مطلع دانش" واقع در نزدیکی قریه باغبانی بگذارد تا اندازه زیاد از نعمت سواد و دانش ابتدایی بهره مند بود.

عبدالرحمان بعد از دو سه سال درس خواندن در این مکتب مجبور شد با پدر و فامیل خود به کجه خوگیانی نقل مکان کند. زیرا پدر بزرگوارش عهده دار محکمه آنجا گردید. قاضی عبدالله بالاخره به محکمه مرافعه شهر کابل تبدیل شد. یک منزل کلان را در نوآباد ده افغانان کابل خرید و با فامیل در آن سکونت اختیار کرد. عبدالرحمان شامل لیسه حبیبیه شد و به شهادت استادانش دروس را در همان جا با موفقیت شایان پیش می برد و علاوه در اثر استعداد و شوقی که در شعر و ادب داشت، در کنفرانس های لیسه حبیبیه اشعار و مقالات خود را قرائت می کرد و نیز ستاره درخشان تیم فوتبال مکتب شناخته می شد.

وی بعد از پایان رساندن موفقانه دوره لیسه برای مدت دو سال در یگانه فاکولته وقت که در رشته طب

بود تحصیل کرد. در همین وقت بود که پدرشان که بحیث رییس تمیز ایفای وظیفه می نمود در اثر سکتۀ قلبی وفات یافت.

مرگ نا به هنگام پدر تأثیرات ناگوار و عمیقی در شیوۀ زندگی و آرامش فامیلی پیش آورد. از آنجا که برادر بزرگ ایشان قاضی حفیظ الله در حین اجرای وظیفه بحیث قاضی در شمالی به شهادت رسیده بود، عبدالرحمان جوان مسوولیت فامیل را بعد از وفات پدر بدوش گرفت و بمنظور رسیدگی بهتر به تربیه و کسب معیشت برادران کوچکتر در کابل، مجبوراً دوام تحصیل را ترک گفت، خانۀ پدری را بفروخت، زنان و خورد سالان فامیل را واپس به باغبانی اعزام داشت.

عبدالرحمان با استفاده از استعداد خود ابتدا به حیث ترجمان و بعداً به سایر وظایف پرمسؤولیت در ریاست مستقل مطبوعات آن وقت شامل کار شد. وی طی این سالیان چنان استعداد در شعر و ادب و امور محولۀ مطبوعاتی از خود بروز داد که باعث جلب توجه اراکین دولت، شعرا و ادبا و عامۀ مردم به وی شد. در ابتدا در آثار خود تخلص "وفا" داشت، بعد "مراو" و بعدتر "ارمانجن" را برگزید و بلاخره با انتخاب تخلص "پژواک" به حقیقت انعکاس دهنده ندای آرمان های والای جامعۀ افغانی و کتلۀ بشری گردید. چکیده های آثار و اشعار عبدالرحمان پژواک در هر دو زبان پشتو و دری زیب و زینت نشرات روزمره کشور شد و در حلقۀ اشعار و ادبا که بعداً همه دوستان و علاقمندان او گردیدند، مقام بس ارجمندی را کمایی کرد.

استاد عبدالرحمان پژواک در سال ۱۹۴۶ بحیث آتشۀ مطبوعاتی و کلتوری در سفارت کبرای افغانی مقیم لندن مقرر گردید و برای بار اول به سفر و مطالعه خارج از کشور پرداخت و در ساحۀ دیپلوماتیک مشق و تمرین گرفت. در آنجا آثاری به زبان انگلیسی در معرفی افغانستان و داعیۀ پشتونستان به نشر رساند. وی طی دورۀ همین ماموریت تحصیلات خود را در رشته ژورنالیزم و مناسبات بین المللی در یونیورسٹی ادنبره سکاتلند پیش برد.

استاد پژواک در اثر بروز اختلاف نظر با مقام سفارت از وظیفه استعفی کرده و در شعبه اطلاعات دفتر بین المللی کار و کارگر مقیم کانادا شامل کار شد (۱۹۴۷). بعد از طی یکسال خدمت بحیث آتشه مطبوعاتی در سفارت افغانی مقیم واشنگتن مقرر شد (۱۹۵۰-۱۹۴۸). از آنجا دوباره بحیث آتشه مطبوعاتی و کلتوری به سفارت افغانی لندن تبدیل گردید (۱۹۵۳-۱۹۵۰). وی بعد از مدتی از این وظیفه نیز مستعفی شده و عازم وطن شد و مدتی را بدون داشتن وظیفه رسمی سپری کرد.

مقامات خواستند از استعداد سیاسی و مهارتهای دیپلماتیکی استاد پژواک استفاده ببرند بناً به او در وزارت خارجه منحیث مدیر شعبه سوم سیاسی وزارت خارجه وظیفه سپردند (۱۹۵۳). استاد پژواک در اثر ابراز لیاقت و شایستگی در امور شعبات مختلف آن وزارت، موفق به احراز مقام مدیریت عمومی سیاسی گردید (۱۹۵۸-۱۹۵۵).

استاد پژواک با احراز این مقام پراهمیت توانست در همه کنفرانسهای منطقوی، ممالک غیرمنسلک و بین المللی بحیث نماینده برجسته افغانستان سهم بگیرد که از جمله تنها عضویت شان را در هیات افغانی در اولین کنفرانس سران ممالک غیرمنسلک در باندونگ، اندونزی که اساس نهضت عدم انسلاک در آنجا گذاشته شد، و افغانستان بحیث عضو موسس آن شناخته شد، نام می بریم (۱۹۵۵). استاد عبدالرحمان پژواک در سال (۱۹۵۸) ابتدا بحیث وزیر مختار و بعداً بحیث سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد تعیین و به نیویارک اعزام شد. وی برای مدت تقریباً چهارده سال وظایف این کرسی را با موفقیت های چشمگیری پیش برد. وی با اهلیت و کفایت کم نظیری که در امور بین المللی از خود نشان داد بحیث یکی از چهره های درخشان و قابل اعتماد سازمان ملل شناخته شد. به همین دلیل در عین انجام ماموریت بحیث سفیر کبیر افغانستان وظایف مهم و متعدد دیگری نیز از طرف سرمنشی سازمان ملل متحد که به تایید اعضای شورای امنیت صورت میگرفت، به وی سپرده میشد که ذکر همه آنها درین مختصر گنجایش ندارد و محض به موارد ذیل اکتفا میگردد:

۱- رییس کمیته خاص برای حل معضله ویتنام جنوبی.

۲- رییس کمیته تجدید نظر بر منشور سازمان ملل متحد .

۳- رییس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد.

۴- رییس جلسه خاص اسامبله عمومی در امور نامیبیا.

استاد پژوهاک علاوه بر عضو هیات افغانی در دو کنفرانس مهم سران ممالک غیرمنسلک در بلگراد (۱۹۶۱) و قاهره (۱۹۶۴) نیز اشتراک داشته است.

مرحوم استاد عبدالرحمان پژوهاک بر اساس برآزندگی سیاسی و اعتمادی که در نزد سرمنشی و سایر نمایندگان دول عضو سازمان ملل متحد کمایی کرده بود ، در سال (۱۹۶۶-۱۹۶۷) بحیث رییس بیست و یکمین اجلاس عمومی آن سازمان انتخاب شد که کسب این مقام ارجمند مایه سرفرازی بیشتر خودش و کشور محبوبش در جامعه جهانی گردید.

در طی دوره ریاست اسامبله عمومی ، استاد پژوهاک ریاست برخی از جلسات اضطراری را که به اثر شعله ور شدن جنگ بین اعراب و اسرائیل اوضاع بین المللی را بیش از هر وقت دیگر متشنج تر ساخته بود، نیز به عهده داشت.

نبوغ، درایت و تبحر استاد پژوهاک در امور بین المللی چنان پشتوانه استوار و اعتماد کامل برای وی بوجود آورد که اگر او تانت، طوریکه گفته می شد، در اثر معاذیری نتواند به وظیفه خود به حیث سرمنشی ملل متحد ادامه دهد، همه اعضای شورای امنیت و نمایندگان ممالک رو به انکشاف استاد پژوهاک را بحیث شایسته ترین کاندید مقام سر منشی آینده یاد کرده و تحقق آنرا بدون دغدغه پیشبینی میکردند. ثبوت غیر قابل انکار این موضوع نشرات تمام روزنامه های معتبر امریکا و جهان آن وقت است.

مرحوم استاد عبدالرحمان پژوهاک در سال (۱۹۷۲) بحیث سفیر کبیر در بن و در طی سالیان (۱۹۷۳-

۱۹۷۶) بحیث سفیر کبیر در دهلی و بعداً بحیث سفیر کبیر در لندن ایفای وظیفه کرد. در جریان ماموریت دهلی وظایف مهم ذیل را نیز انجام داد:

۱- نمایندگی خاص رییس جمهور و رییس هیات افغانی در کنفرانس سران ممالک غیرمنسلک در الجزایر (۱۹۷۳).

۲- نماینده خاص رییس جمهور و رییس هیات افغانی در کنفرانس سران ممالک اسلامی در پاکستان (۱۹۷۳).

۳- عضو هیات افغانی در کنفرانس سران ممالک غیرمنسلک در کولمبو (۱۹۷۷).

مرحوم استاد پژواک با کودتای خونین و ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ و مقدمه اشتغال کشور از طرف روس متجاوز، از مقام سفارت در لندن استعفی نموده و به وطن عودت کرد (۱۹۸۷). به مجرد مواصلت به کابل از طرف رژیم نور محمد تره کی در منزل تحت نظارت قرار گرفت. مرحوم استاد پژواک طی ملاقاتی که به اصرار ببرک کارمل رییس دولت نام نهاد وقت با وی صورت گرفته بود از همکاری با "جبهه پدروطن" او بالمواجهه امتناع ورزیده و نظر خود را در زمینه به وی بصورت شفاهی و کتبی ارایه داشته که خوشبختانه کاپی آن در اواخر دهه هشتاد از طرف نمایندگی رژیم نجیب در نیویارک و پس از تماس تیلیفونی نجیب با استاد پژواک بدست فرهاد پژواک رسید و به حضور استاد پژواک برای آگاهی تقدیم شد. (تفصیلات این تماس و متن این مکتوب پرارزش تاریخی در کتاب "خلاصه فصلی از سرگذشت یک افغان مهاجر" آمده است.)

در همین آوان بود که صحت استاد پژواک رو به وخامت گذاشت و خونریزی بطنی پیدا کرد. وی مجبوراً به اثر توصیه و اصرار دکتوران معالج عازم دهلی و لندن گردید (۱۹۸۰). استاد پژواک بعد از انجام عملیات واپس به کابل مراجعت کرد و در راه آزادی کشور و اعاده حقوق و تعیین سرنوشت آن از طرق ممکنه و مخفی داخل فعالیت شد که از جمله توانست به همکاری تعدادی از استادان پوهنتون، دوستان و

جوانان مبارز "انجمن حقوق بشر" را بصورت مخفیانه تاسیس نماید و به پخش شبنامه‌ها بپردازد. صحت استاد پژواک مناسفانه باز رو به خرابی گذاشت و در سال (۱۹۸۲) غرض تداوی و مبارزه بر ضد نظام کمونیستی عازم دهلی گردید. در دهلی با دایر کردن یک کنفرانس مطبوعاتی ضدیت خود را با نظام و اشتغال مملکت از طرف قوای شوروی اعلان داشت و از سازمان ملل متحد تقاضای پناهندگی سیاسی نمود.

مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک بعد از انجام یک سلسله معالجات برای جلب پشتیبانی جهاد بر حق مردم آزادی خواه و مسلمان افغانستان و مذاکره با برخی از شخصیت‌های افغانی و مراجع دیگر عازم آلمان شد. سفارت پاکستان در آلمان غربی به هدایت حکومت خود از جناب استاد پژواک خواهش کرد تا اگر جهت مذاکره و پیدا کردن راه حل برای قضیه افغانستان بحیث مهمان برازنده وارد پاکستان شود. بعد از توقف سه ماهه و مذاکرات در پاکستان مجدداً جهت مفاهمه با افغانها و سازمان ملل متحد عازم اروپا و امریکا گردید و متعاقباً به پاکستان برگشت (۱۹۸۳) و به فعالیتهای سیاسی و تماسهای مستقیم با رهبران جهادی، قومندانان، و سران اقوام و قبایل، دانشمندان و ژورنالیستان شدت بخشیده و از طریق مصاحبه‌ها و مقالات در "افغان مجاهد"، مجله "وفا" و به ویژه در اخبار "مجاهد ولس" و سایر وسایل ارتباط جمعی همه را متوجه عواقب وخیم عدم اتحادشان در جبهات نظامی و سیاسی می کرد. چون حکومت پاکستان این آمال و اعمال مؤثر استاد پژواک را مغایر منافع و پلانهای مطروحه خود تشخیص می داد، روز بروز بالای او و تماس هایش با هموطنان قیود و مشکلات وارد می کرد، اما استاد پژواک به آن اعتنا نکرده همچنان در مسیر استقلاله خود به حیث یک راهنما و مجاهد صادق به فعالیتهای خود دلیرانه ادامه می داد تا اینکه حکومت پاکستان اقامت و موجودیت مزید استاد پژواک را در منطقه حساس پیشاور بیشتر تحمل کرده نتوانسته رسماً او را "شخص نامطلوب" اعلام داشت تا هر چه زودتر خاک پاکستان را ترک گوید و تا زمان اخراج، استاد پژواک را در منزل شدیداً تحت مراقبت قرار دادند. وی بالاخره به وساطت دفتر پناه

گزینان ملل متحد عازم امریکا شد.

مرحوم استاد پژواک در نیویارک، مذاکرات صلح ژنیو را که در آن به مجاهدین حق اشتراک داده نشده بود، با ارایه دلایل معقول رد کرده و در مقابل پلان پنج فقره ای صلح سازمان ملل متحد از نگاه حفظ مصالح علیای مردم افغانستان، پلان جامع تر و عادلانه تری را ترتیب و به سازمان ملل متحد تسلیم کرد. (کاپی این پیشنهاد نظر به اهمیت آن در ضمایم کتاب "خلاصه فصلی از سرگذشت یک افغان مهاجر" گنجانیده شده است).

مرحوم استاد پژواک بعد از انجام یک سلسله فعالیتها و تداوی با بدست آوردن ویژه مسافرت جهت اشتراک در سیمینار مربوط به افغانستان در اوایل سال (۱۹۹۱) عازم پاکستان گردید. قبل از آنکه به شرح مختصر مبارزات ملی و جهادی مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک در هنگام واپسین اقامتشان در پیشاور پرداخته شود، لازم است دو نکته ذیل در نظر گرفته شود:

نخست مریضی دوامداری که متأسفانه طی سالیان دراز هجرت شامل حال استاد پژواک گردید، او را قسماً زمینگیر ساخته و ثانیاً با فهم اینکه استاد پژواک را امریکا و سایر ممالک جهان با خوشی و قدردانی بحیث مهاجر پذیرفته و هرگونه امتیازات مادی را به اختیارش قرار میدادند، اما همه امکانات را نادیده گرفته، هموطنان و نواسه شان فرهاد پژواک از اواسط دهه هشتاد در کوه مستقل شان در واشنگتن افتخار خدمت شان را داشتند و در دو سال اخیر اقامت شان در ایالات متحده امریکا و قبل از سفر آخر شان به پاکستان به فرهاد افتخار همزیستی در منزل او در ایالت ویرجینیا را دادند.

استاد پژواک مرحوم از آغاز جهاد بر حق و ملی مردم افغانستان معتقد بر این بود که رهبران و شخصیتهای مبارز افغانی به مجرد میسر شدن امکانات، باید مرکز واحدی را برای پیشبرد فعالیتهای جهادی و سیاسی خود در داخل کشور تعیین و مستقر سازند، هدف اصلی از این تلاش و اصرار آن بود که پیش از به ثمر رسیدن جهاد و سقوط نظام دست نشانده، مجاهدین موفق به ایجاد تشکیلات واحد سیاسی و

اداری شوند تا بعداً خلای سیاسی و زمینه تصادم بین تنظیم های مختلف بوجود نیاید که عواقب آن خیلی وخیم و دردناک برای مردم و وطن خواهد بود.

برای تحقق مفکوره فوق وسایر ارمانهای خود، مرحوم استاد پژواک بعد از مسافرتهای مکرر به اروپا، امریکا، پاکستان و مطالعه سرد و گرم مراحل مختلف جهاد آزادیخواهانه و دلیرانه، مردم غیور افغانستان بلاخره در اوایل سال (۱۹۹۱) به پاکستان برگشتند و در شهر پشاور که هرگز آنرا خطه بیگانه نمی شناخت رحل اقامت گزیند:

محل اقامت استاد پژواک در پشاور یک بار دیگر مرکز دید و بازدید های مجاهدین، دانشمندان، خبرنگاران داخلی و خارجی و تعداد کثیر مردم وطن شد. مداخلات محیلانه حکومت های همسایه و خارجی، ایجاد تفرقه بین اقوام برادر و برابر افغان و دوام جنگ نامیمون داخلی طی سه سال در آغاز دهه نود که باعث قتل هزاران هموطن بیگانه و ویرانی مزید شهر تاریخی کابل، و دیگر نقاط کشور گردید، روحاً و جسماً استاد پژواک را آزرده میساخت که این آزردهگی و انزجار خود را در مصاحبه ها، ملاقات ها، اشعار و نوشته ها تا روزهای واپسین زندگی پر افتخارش اظهار داشته است.

یکی از موارد دیگری که مرحوم استاد پژواک از سالیان دراز به آن معتقد بوده و مبارزه می کرد همانا اعطای حقوق و آزادی های فردی و سیاسی ب مردم افغانستان است که البته این مبارزه وی در دسرهای را بخود او، که چند بار منجر به استعفی و دور نگهداشتن وی از وطن گردید، ببار آورده است.

طوریکه قبلاً اشاره رفت مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک از زمان تحصیل در لیسه حبیبیه در اثر استعداد ذاتی و ذوقی که به ادبیات داشت، به سرودن نظم و نثر پرداخت و در طول یکی دو دهه دیگر سخن به جایی رسید که به تصدیق بزرگان شعر و ادب، وی خود یکی از بزرگترین شعرا و نویسندگان عصر خود در هر دو زبان پشتو و دری گردید.

دوستانی که استاد پژواک مرحوم را از نزدیک می شناسند با من متفق خواهند بود که استاد پژواک بنا بر

خصالت خاصی که داشت پی مقام و منصب نبوده است. حتی شعر و اثری اگر در سفر و حضر میسرود آنرا به یکی از دوستان یا اهل فامیل می سپرد. بدین لحاظ اگر آثار منظوم و منثوری تا حال از استاد پژواک بصورت انفرادی و یا مجموعی به چاپ رسیده، بیشتر در اثر اهتمام دوستان یا اعضای فامیل وی بوده است. متأسفانه او به جمع آوری آثار خود تا اخیر زندگی نپرداخت.

آثار مرحوم استاد پژواک بمراتب بیشتر از آنچه است که تا الحال به طبع رسیده، البته یکتعداد آثارش تا جایی که بما معلوم است بزبانهای انگلیسی، فرانسوی، عربی و روسی ترجمه و نشر شده است. آثار دیگر که خوشبختانه بعضاً به قلم خود استاد پژواک است، نزد من موجود و آماده طبع است. این آثار را تقریباً طی بیست سال اخیر عمر پربارش که دوره کمال پختگی و علو فکری و قوام افکار فلسفی اوست به رشته تحریر در آورده که شاید از جمله برازنده ترین و پراهمیت ترین آثار در جهان شعر و ادب پشتو و دری باشد.

مرحوم استاد عبدالرحمان پژواک شخصیت خیلی عالی و قابل احترام داشتند. در قول و فاء، در دوستی پایداری، در اظهار حقایق صراحت لهجه و جرئت کم نظیر از خود نشان میداد. چهره دلپذیر و صحبت گیرا و سرشار از طنز و لطیفه داشت. در وقار و مناعت نفس چون کوه استوار بود. در روش زندگی بدون هر گونه تعصب و تکلف بود. وطن و وطنداران را زیاد دوست می داشت و حرمت می گذارد. مصالح عالیای کشور را مقدم بر همه چیز می دانست. به مادیات هرگز تمایل نداشت و حتی سرپناهی برای خود نساخت و نپذیرفت که برایش بسازند.

استاد پژواک را علاوه بر درد وطن و وطنداران آواره اش، مریضی دوامدار رنج میداد و در اواخر او را خیلی ناتوان ساخته بود. افسوس و صد افسوس که استاد عبدالرحمن پژواک قبل از آنکه به آرمان قلبی خود که آزادی و استقرار حاکمیت ملی، عدل و امن در کشور محبوبش باشد نایل آید، جهان فانی را وداع گفت. آن مرد آزاده و نامور صبح روز پنجشنبه ۱۸ جوزا سال ۱۳۷۴ هجری شمسی مطابق به ۸ جون ۱۹۹۵

میلادی که مصادف با روز دهم محرم الحرام ۱۴۱۶ هجری قمری، به عمر هفتاد و شش سالگی در منطقه

حیات آباد شهر پشاور وفات یافت . **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**

جنازه مرحومی بروز جمعه نهم جوزا در قبرستان آبایی شان در قریه باغبانی سرخورد ولایت

ننگرهار در حضور جمع غفیری از رهبران و قومندانان جهادی، نمایندگان شورای ولایت شرقی، علما و

شعرای افغان و سایر منسوبین و علاقمندان بخاک سپرده شد.

خبر وفات استاد پژواک در کمترین وقت به اطلاع مردم در سرتا سر جهان رسانیده شد و تاثیر زیادی را

در بین منسوبین و علاقمندان افغان و غیرافغان ببار آورد. به صدها پیام همدردی و تسلیت به شمول پیام

سرمنشی سازمان ملل متحد موصلت کرد.

در مقر سازمان ملل متحد واقع در نیویارک در جلسه که در آن سرمنشی و همه نمایندگان ممالک عضو

اشتراک داشتند از درگذشت مرحوم استاد پژواک ابراز تاثیر شد و از شخصیت عالی و خدمات شایان او در

سازمان ملل متحد با قدردانی یاد گردید و بعد از ایراد چند بیانیه همه بپا ایستادند و برای یک دقیقه

خاموشی اختیار کردند.

همچنان ده ها مراسم فاتحه گیری و محافل یادبود از طرف وطنداران قدردان بر پا شد که منسوبین خانواده

استاد پژواک بدین وسیله از همه ابراز سپاس و امتنان می کنند.

فرهاد پژواک

ویرجینیا، امریکا

سپتامبر ۱۹۹۵